

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ جون ۲۰۲۲

## نگاهی به برگشتن "جنرال وزیري" به کابل!

(۱)



دوشنبه- ۱۶ جوزای ۱۴۰۱- کابل: در یادداشت کنونی بحث مختصری در باب برگشتن "تورن- دگر\* جنرال دولت وزیري" سخنگوی اسبق وزارت دفاع دولت دست نشاندۀ ساقط شده که از جانب طالبان به مثابه یک موفقیت بزرگ در جذب افراد غیر طالب به حاکمیت شان تبلیغ می گردد، داریم. بحثم را در این مورد از دو منظر مطرح می نمایم، یکبار از موضع یک فرد و بار دیگر در پیوند با یک روند. با در نظر داشت این که اصولاً وقت خود را به بحث در مورد عملکرد افراد اختصاص نمی دهم مگر این که عمل فرد، نمایانگر یک روند باشد و تأثیرات آن از تصامیم شخصی فرا تر برود، بحث در مورد "دولت وزیري" را بدان خاطر انتخاب نموده ام که آمدن وی را گام دیگری از هجوم جواسیس تکنوکرات به غرض شرکت در قدرت با طالب می بینم. این شما و اینهم طرز دید من:

۱- از لحاظ فردی، جنرال وزیري به مانند هر فرد دیگر در افغانستان و جهان حق دارد، خودش در مورد ادامه و یا قطع زندگی اش تصمیم بگیرد و به هیچ کسی من جمله این قلم ربطی ندارد تا بگویم که چنین کند و یا چنان نکند. مگر این طرز دید بدان معنا نیست که حق نداشته باشم، نقش شخصیت فرد را در اتخاذ تصامیمش نادیده گرفته همه را به یک چوب و یک نظر مؤاخذه نمایم.

تا جایی که از مصاحبه ویدیویی "دولت وزیري" با برنامه "کاکتوس تلویزیون یک" در گذشته ها بر می آید، می شود گفت نامبرده وقتی ۱۴ سال داشته است، به لیسه حربی-حربی بنوخی- تقریباً در سال ۱۳۴۵-۱۳۴۶ هجری خورشیدی

شامل و حدود ۵۴ سال در خدمت اردوی افغانستان قرار داشته است؛ این یعنی وی در زمان ظاهر شاه شامل لیسهٔ حربی شده بعد از فراغت از لیسه، شامل حربی پوهنتون و به دنبال آن بعد از مدت کوتاهی انجام وظیفه عازم روسیه و از آنجا به بعد مجدداً در خدمت اردو قرار گرفته تا رتبهٔ تورن- و یا دگر جنرالی رسیده است؛ این یعنی، دولت وزیری در اکثر رژیم های شاهی، جمهوری داوود، ۱۴ سال حاکمیت مزدوران روس، دورهٔ "ربانی- مسعود" و "امارت اسلامی" دور اول و حاکمیت پوشالی محصول تجاوز "کرزی" و "غنی" اجرای وظیفه نموده که به این رتبه رسیده است؛ این یعنی "دولت وزیری" با تغییر هر حاکمیت به سوگند قبلی خود خیانت ورزیده، قلادهٔ حاکمان جدید را بر گردن آویخته است، یعنی به همان سانی که سوگند شرفش را حین تغییر نظام شاهی زیر پای نمود و خادم جمهوری داوود خان شد، به مانند تمام اعضای باند های خلق و پرچم و نوکران سوسیال امپریالیسم روس، به داوود خان نیز خیانت کرده وی را به قتل رسانیدند، به همین سان در قدرت گردشی های درون حزبی همیشه حضور فعال داشته، نفس دور ماندن از تصفیه های درون حزبی نشان از آن دارد که تکیه گاه وی روسها و استخبارات ارتش آن کشور بوده ورنه یکی نه یکی از ۴ حاکم مزدوران روس [تره کی- امین- ببرک- نجیب] سرش را زیر بالش می نمود، به همین سان ادامهٔ کارش در زمان اشغالگران امریکائی و حاکمیت دست نشانده پوشالی آنها.

این تسلسل و سوگند شکنی ها نشان می دهد که اولاً "دولت وزیری" به مانند تمام نوکران روس از خرد تا بزرگ از عضو دفتر سیاسی و صدراعظمی مانند "پنجشیری" ها و "کشتمند" ها، تا مقامات بالای حزبی و دولتی چون "قادر ها، تنی ها، وطنجار ها، مزدک ها، وکیل ها و ... " در سوگند شکنی و خیانت به سوگند همان راهی را رفته است که خط کلی باند های شان بوده است در ثانی برای خودش به مثابه فرد اصل "حفظ جان به هر قیمت" تنها دستور العملی بوده که از تعلیمات نظامی به یادش مانده است.

بناءً به نظر من عصبانیت نشان دادن و دشنام دادن به وی به خاطر برگشتنش به کابل و انداختن قلادهٔ بردگی طالب به گردن، ناشی از عدم شناخت دشنام دهنده از "دولت وزیری" و کلیت باندهای خلق و پرچم و انتظار شرافت و شخصیت از بی شرفترین به اصطلاح روشنفکران ۵ دههٔ اخیر می باشد. یعنی "دولت وزیری" دقیقاً همان کاری را انجام داد که رهبران قبلاً انجام داده بودند و کسان دیگری که در آن مکتب غدر و خیانت و قتل و جنایت تربیت یافته اند، مطمئناً در آینده انجام خواهند داد.

ادامه دارد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**

\*- از آن جایی که در نشرات گاهی وی را "تورن جنرال" و زمانی "دگر جنرال" نگاشته اند، هر دو را تذکر داده ام تا رتبه هائی را که با وطنفروشی و قتل عام خلق ما به دست آورده تنزیل نیابند. - ع. ق.